

خوشنویسی اوستایی

نگاهی به پاره‌ای از دست‌نوشته‌های اوستا براساس سنت کتابت و خوشنویسی آنها

نگاهی به تاریخ کتابت اوستا

قدیمی‌ترین اسناد درباره کتابت اوستا متنهای به‌جامانده به زبان فارسی میانه و سنت زردشتی است که بر نگارش آیات اوستا به دست خود زردشت، به روی پوست گاو و یا لوحه‌های زرین و نهدان آن در گنج شاهی یا آتشکده سمرقند دلالت می‌کند.

زردشت دین آورد. به فرمان گشتاسب شاه یک هزار و یکصد فرگرد به دین‌دیری بر تخته‌های زرین کند و به گنج آن ایش (آتش بهرام) بنهاد.^۱

گذشته از مطلب فوق که کتابت اوستا را در زمان زردشت می‌داند و جنبه افسانه‌ای دارد، به رد پای جدیدتری از نگارش این کتاب در حوالی دوره هخامنشی برمی‌خوریم.

در کتاب دینکرد آمده است که به دستور گشتاسب آموزه‌های زردشت نوشته شد. نسخه اصلی آن را در گنج شاهی نهادند و رونویسهایی از آن تهیه کردند و یک نسخه از این رونویسها را به دژ نیش فرستادند. با آمدن اسکندر آن نوشته به دست یونانیان افتاد و آن را به یونانی ترجمه کردند.^۲ در جای دیگری از همین کتاب آمده است که به فرمان دارا پسر دارا (داریوش سوم، حکم ۳۶۶-۳۳۰ ق.م) همه اوستا و زند را در دو نسخه تهیه کردند؛ یکی را در خزانه شاهی و دیگری را در دژ نیش نهادند.^۳ به هر حال پس از پراکنده شدن اوستا بر اثر حمله اسکندر چندین شاه ایرانی در دوره‌های مختلف تلاش کردند آن را دوباره گردآوری و تدوین کنند. در حدود ۲۷۰ سال پس از فروپاشی حکومت هخامنشیان، بلاش یکم اشکانی (حک ۷۸-۵۱ ق.م) فرمانی صادر کرد و به شهرهای مختلف فرستاد تا آنچه را از اوستا و زند به شکل نوشته یا شفاهی از گزند در امان مانده بود جمع‌آوری کنند.^۴

اطلاعاتی درباره نوع خط اوستایی دوره‌های هخامنشی یا اشکانی نداریم؛ اما به نظر آندرتاس^۵، احتمالاً این خط نوعی خط پهلوی مشتق از آرامی بوده است.^۵ از آنجا که این خط با توجه به محدودیتهای خط اشکانی نمی‌توانسته تمامی دقایق و ظرایف آهنگین اوستا را منتقل کند، سنت حفظ کردن و شفاهی‌خوانی اوستا تا پایان دوره پارتی به صورت مکمل و همراه با خط ادامه یافت.

بی‌گیری تلاشها در دوره ساسانی در حکومتی دین‌دوست، قوی‌تر و منظم‌تر ادامه یافت. در اوایل دوره

خط اوستایی یا دین‌دبیره از کامل‌ترین و زیباترین خطوط برای زبانهای ایرانی است و بنا به نظر پژوهشگران زبانهای باستانی، در نمایش اصوات و تلفظ صحیح هر حرف و کلمه بسیار مناسب و تواناست. از نظر ساختار و شکل ظاهری و گرافیکی نیز زیباییهای کم‌نظیری دارد و خواندن و نوشتن آن نیز آسان است. شکل چشم‌نواز و نواخت متوازن این خط آن را بهترین گزینه برای کتابت اوستا ساخته است. با توجه به پیشینه بیش از شانزده قرن خط اوستایی، زمان کافی وجود داشته تا این خط ضمن حرکت در مسیر تعالی و زیباتر شدن، به دست کاتبان و دبیران مختلفی کتابت و شیوه‌های مختلفی در آن ایجاد شود. در این مقاله به بررسی بعضی از آنها می‌پردازیم.

تحقیقات و بررسیهای علمی‌ای که زبان‌شناسان یا ایران‌شناسان در دست‌نویسهای پهلوی و اوستایی انجام داده‌اند بیشتر بر جنبه‌های زبان‌شناختی، ساختار دستوری و صرف و نحو و گاهی جنبه‌های فرهنگی و تاریخی متمرکز بوده و به بررسی دست‌نویسها از لحاظ قواعد و اصول و هنر خوشنویسی کمتر توجه شده است. مطالعه دست‌نویسها از این دیدگاه افق جدیدی در پیش رو قرار می‌دهد و شاید کمک شایانی به حل مسائل این خط کند. از جمله در زمینه‌هایی که تا کنون اشتباه کاتب تصور می‌شده است. همچنین برای شناسایی و طبقه‌بندی تاریخی و زمانی دست‌نویسهایی که بن‌نوشته نداشته یا در طول زمان انجامه یا ترقیمه آنها ناپدید شده است، بررسی قرابت شیوه‌های خوشنویسی آنها راهی پرفایده است. این مقاله شامل مختصری از تاریخ کتابت اوستا در بخش نخست و سپس بررسی چند شیوه اصلی اوستانویسی و ذکر مشخصات آنهاست.

(1) Andreas

ساسانی اردشیر بابکان (حک ۲۲۶-۲۴۱م) به راهنمایی موبد «توسر» (تنسر) مطالب گردآمده را به دربار خواست و آنچه را معتبر بود پذیرفت و بقیه را به کنار نهاد.^۶ شاپور اول (حک ۲۴۱-۲۷۲م) راه پدر را ادامه داد.

وی کتابهایی را در زمینه‌های پزشکی، ستاره‌شناسی و سایر رشته‌های علمی که منشأ آنها اوستا بود گردآوری کرد و آنها را با اوستا تطبیق داد و به دستور او نسخه‌ای از آنها به گنج شاهی سپرده شد. بنا به روایات مختلف که بسیاری از آنها بیشتر جنبه اسطوره‌ای دارد، شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) نیز دستور داد که درستی اثر گردآمده را بیازمایند. برای این منظور آذرباد مارسپندان، موبدان موبد زمان او، عمل «ور» انجام داد؛ یعنی روی گداخته بر سینه او ریختند و نسوخت و با این کار اطمینان مؤمنان زردشتی را به کتاب گردآمده جلب کرد. دست آخر خسرو پسر قباد (انوشیروان ۵۳۱-۵۷۹م) موبدان را بر آن داشت که اوستای موجود را که از طریق سنت شفاهی و کتبی انتقال یافته و دارای مطالب فراوان و درخور تأملی بود، بازبینی کنند.^۷

منوچهر، از موبدان مهم زردشتی، در نامه‌ای، از انجمنی از موبدان زردشتی به ریاست «وه شاپور»، موبدان موبد زمان خسرو انوشیروان، یاد می‌کند که بیست و یک نَسک اوستا را تعیین کردند و بر آن مهر نهادند. شباهت خط اوستایی با پهلوی هوقمان را به این اندیشه واداشت که تاریخ تدوین و تنظیم این الفبا را قرن چهارم میلادی، یعنی تقریباً زمان شاپور دوم بدانند؛ دوره‌ای که رقابت شدیدی بین زردشتیان و پیروان ادیان بودایی، مسیحی و مانوی جریان داشت و حکومت ساسانی در پی ایجاد وحدت دینی در سراسر کشور و نیازمند یک کتاب دینی برای رویارویی با ادیان رقیب صاحب کتاب بود.^۸

تجاری که از طراحی خط پهلوی کتیبه‌ای در نیمه اول حکومت ساسانی و خطوط پهلوی کتابی و زیوری حاصل شده بود و آگاهی از معایی که هریک از این خطوط داشت، انجمن موبدان و دبیران و طراحان آن زمان را بر آن داشت تا خطی برای اوستا طراحی کنند که اولاً تعداد حروف صامت بیشتری داشته باشد تا بتواند تمامی اصوات را نشان دهد؛ ثانیاً حروف مصوتش چنان باشد که از پس نمایش ظرایف تلفظ زبانی همچون زبان اوستا که در آن زمان احتمالاً زبانی خاموش نیز بوده برآید؛ ثالثاً امتیاز

نامتصل بودن خط پهلوی کتیبه‌ای را، که باعث آسانی خواندن و نوشتن این خط و کاهش خطاها و اشتباهات نگارشی می‌شود، داشته باشد. شاید نظام هیئت‌های تبلیغی دین مانوی نوعی الگوبرداری از نظام کتاب‌نگاری دبیرخانه‌های شاهان ساسانی یا کاتبان دینی آتشکده‌ها در آن دوران بوده باشد که شامل یک مبلغ، یک خوشنویس یا کاتب و یک نگارگر و مذهب می‌شد که مأمور بودند به هر ناحیه‌ای که سفر می‌کنند، کتب مقدس مانوی را به خط خوش کتابت کنند و آن را به زیور تذهیب و نگاره بیارینند.^۹ در این صورت باید چنین اتفاقی در مورد اوستا به صورت جامع‌تر در دوره ساسانی رخ داده باشد و باید بتوانیم آثار آن را در دوره‌های بعد از ساسانی مشاهده کنیم.

در سده‌های اول/ هفتم تا چهارم/ دهم موج تازه‌ای از فعالیت در حوزه کتابت خط پهلوی و اوستایی در ایران به وجود آمد. در این زمان، برعکس دوره ساسانی، زردشتیان هم فاقد قدرت بودند و هم در اقلیت دینی قرار داشتند. کاتبان زردشتی شروع به رونویسی کتابهای کهنه و قدیمی دوره ساسانی و ایجاد نسخه‌های تازه‌ای از آن کردند. امروزه بیشتر دست‌نوشته‌های موجود با واسطه به این نسخه‌ها برمی‌گردد. بررسی دست‌نویسهای موجود اوستا نیز نشان می‌دهد که همه آنها از روی الگوی واحدی نوشته شده که به عقیده هوقمان، نسخه پایه یا بنیادی حاصل کوشش موبدان در سده‌های سوم/ نهم و چهارم/ دهم بوده است.^{۱۰} دانشمندان دیگر غالباً این نظر را پذیرفته‌اند و درستی آن را با دقت در بخشهای مختلف اوستا به اثبات رسانده‌اند.^{۱۱}

قدیمی‌ترین دست‌نویسی که از اوستا باقی مانده است، نسخه مشهور به K7a مربوط به سال ۱۲۷۸م است و سایر دست‌نویسها بر این نسخه متأسخند. دست‌نویسهای باقی‌مانده جزئیات و مطالب زیادی درباره اصول کتابت و خوشنویسی‌ای که ریشه در دوره ساسانی داشته در خود نهفته دارند و مقایسه آنها با خطوط پهلوی کتیبه‌ای کاملاً مستند، نکات قابل توجهی را از خلال سالها بر ما نمایان می‌کند. با مشاهده دست‌نویسهای باقی‌مانده با نکات جالبی از نظر علم و هنر خوشنویسی روبرو می‌شویم؛ از جمله: ۱. اولین چیزی که رخ می‌نماید ابزار نوشتن دست‌نویسهاست. در نگارش این نسخه‌ها از قلم نی و مرکب مشکی و سرخ



ت ۱. بهرام برومند،
الفبای اوستایی بر اساس
بازنویسی از شوه
هوشنگ سیاوختش
با توجه به اندازه
حروف بر حسب واحد
نقطه‌گذاری

سیاهیها و سفیدیها در صفحه معرف وجود سطحی از سنت خوشنویسی در بین کاتبان زردشتی بوده است. دشواریهای نگارش و آموزش این نوع خوشنویسی فراگیری آن را مستلزم وجود نوعی مسیر استاد و شاگردی می‌کرده است. شکل‌گیری هر شیوه‌ای می‌توانسته حاصل آموزش یک استاد به چند شاگرد باشد و تمرین و ممارست ایشان و ایجاد اصلاحات و تغییرات احتمالی و در پی آن انتقال این یافته‌ها و مهارتها به نسل سوم و چهارم، آن را به انسجام نهایی نزدیک می‌کرد. این مسیر استاد و شاگردی را در دوره ساسانی در بین دبیران و دبیرزادگان و موبدان با دین‌مردان دیگر می‌توان ردیابی کرد. دست‌نویسهای بازمانده شاید به دست کاتبان و نسخه‌نویسانی نوشته شده باشد که آنها نیز این نوع خوشنویسی را در چرخه استاد و شاگردی بین موبدان و دستوران یا پدران و فرزندان آموخته بودند. نسخه‌های K20 و K50 که از قدیمی‌ترین نسخه‌های دست‌نویس اوستایند به ظن قوی بازمانده سنت رونویسی از دست‌نویسهای سده‌های اول اسلامی یا اواخر دوران ساسانی‌اند.

۲. چیدمان حروف اوستایی در سطرها بر کرسی‌بندی خاصی استوار است.^{۱۲} اگرچه حروف را در همه جا به روی خط کرسی ثابت ننوشته‌اند و سطرها اعوجاج و

به روی کاغذ بهره گرفته‌اند. تغییر ضخامت حروف و قوت و ضعف پهنای حروف، استفاده کاتب را از نوعی قلم فی با قطع مایل در قسمت سر مُحرز می‌کند. این نوع قلمها با بُرشی که کاتب در نوک آن می‌زند سری شیب‌دار و کج می‌یابد که به کاتب امکان می‌دهد از پس نوشتن بخشهای پهن و نازک حروف برآید. قلم فی و مرکب سنتی‌ترین وسیله کتابت کلیه متون ایرانی از دیرباز بوده است. قلم نوعی از گیاه فی به رنگ قهوه‌ای و خاکی بوده که بیشتر در نواحی خوزستان و یا اطراف دریای مازندران رشد می‌یافته است. و مرکب به رنگهای مختلف بوده و از موادی چون دوده، صمغ، سنگرف، لاجورد و غیره در رنگهای مختلف به دست صنعتگران متبحر ساخته می‌شده است.

بررسی عمیق‌تر شکل کلمات و اتصالات و طرز قرارگیری آنها نسبت به خط کرسی و مقایسه آن با نمونه‌های خوشنویسی اسلامی در دوره‌های زمانی مشابه و نزدیک به هم مبین این نکته است که حروف و کلمات مشابه را به شکل و اندازه یکسان نوشته‌اند. نواخت (ریتم) و زاویه قلم‌گذاری معینی در تمام سطرهای نسخه‌ها رعایت شده و فاصله بین سطرها و فاصله حاشیه کاغذ تا شروع سطر، کرسی‌بندی کلمات، ضعف و قوت در حروف، کشیده‌نویسی و سوارنویسی کلمات و ترکیب‌بندی

ت ۲. نمونه شیوه خط
مهرآبان کیخسرو،
نسخه K50. مأخذ
تصویر راست کنجینه
دست‌نویسهای پهلوی،
نسخه K50، (گ ۱۱۳،
۱۱۴) و مأخذ تصویر
چپ: (گ ۱۵۲، ۱۵۳) (پ)

سومین دست‌نویس، سومین سطر، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط

سومین دست‌نویس، سومین سطر، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط
سومین سطر، ششمین خط، ششمین خط

فراز و نشیبهایی دارند، در کل، جایگاه و کرسی هر حرف نسبت به حجم و اندازه و حروف قبل و بعد از آن حرف تنظیم شده و کاتبان کرسی هر حرف را بر مبنای تنظیم کلی و قرارگیری کلمه در سطر قرار می‌دادند.

۳. در خط اوستایی فاصله هر حرف با حرف دیگر و فاصله بین سطرها مبتنی بر نقطه است. فاصله هر کلمه با کلمه بعدی برابر یک نقطه است؛ و آن عبارت است از اثر قلم به روی کاغذ به اندازه‌ای در حدود یک مربع به پهنای نوک قلم (ت ۱). فاصله سطرها چیزی حدود ۸ تا ۱۱ نقطه است.

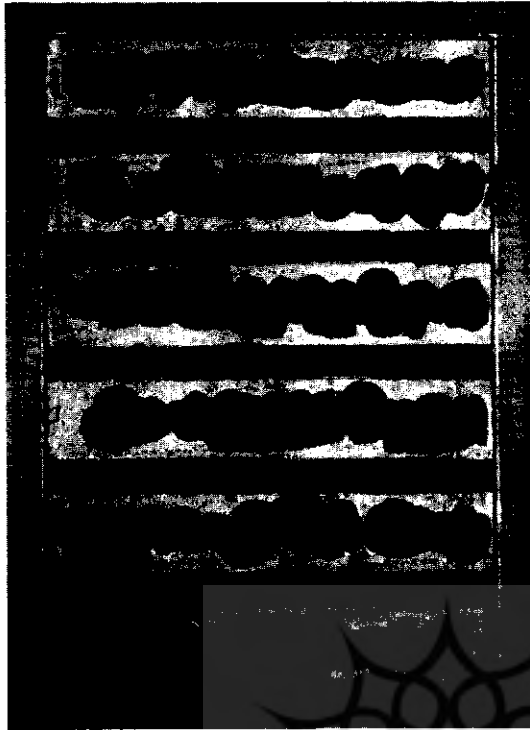
۴. خط اوستایی اصولاً خطی است با حروف ناپیوسته. با این حال تقریباً در تمامی دست‌نویسهای موجود، حروف این خط به صورت پیوسته نیز آمده است. شاید این حالت نتیجه اثرپذیری آن از خط پهلوی کتابی باشد. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که بیشتر کاتبان متأخر اوستا پهلوی‌نویس هم بوده‌اند و بسیاری از متون نوشته به خط اوستایی با تفسیری به خط پهلوی کتابی همراه‌اند.

۵. به علت تعدد کاتبان و دبیران و نسخه‌نویسان و سابقه تاریخی دو خط پهلوی و اوستایی، این دو خط نیز همچون سایر خطوط فارسی بعد از اسلام، دارای شکل و شمایل و شیوه‌های مختلف خوشنویسی شده که از استاد به شاگرد

انتقال یافته است. امروز در دست‌نویسها با سبکها و شیوه‌های متفاوت تحریری رو به روییم که هر یک قواعد و اصول خوشنویسی‌ای خاص خود دارد. تجزیه و تحلیل هریک از این شیوه‌ها افق جدیدی را در حوزه فرهنگ و زبانهای باستانی و تاریخ هنر ایران در پیش رو قرار می‌دهد.

۶. روند تغییر ارزش و مرغوبیت خطوط باقی‌مانده به گونه‌ای است که قدیمی‌ترین دست‌نویسها از جمله دست‌نویسهای شیوه مهرآبان کیخسرو، کاتب نسخه K50 با K20 نسبت به دست‌نویسهای متأخر، کیفیت خوشنویسی برتری دارد. خطوط با گذشت زمان دچار سیر قهقرایی گشته و تا جایی پیش رفته است که نزدیک‌ترین نوشته‌ها به زمان ما که عمدتاً در هندوستان استنساخ شده فقط رونویسی متن است و از اصول و قواعد و ارزشهای خوشنویسی و زیبانویسی بهره‌ای ندارد. متأسفانه هنوز نمی‌دانیم خوشنویسی اوستا پیش از مهرآبان کیخسرو در چه جایگاهی قرار داشته و آیا او نقطه اوجی در کتابت این خط به شمار می‌آمده است یا نه.

در مجموع، کاتبان خط اوستایی را می‌توان به دو دسته ایرانی و هندی تقسیم کرد. البته بسیاری از کتابهای نوشته در هند را نیز ایرانیان مهاجر نوشته‌اند و تأثیرات



ت ۳. نمونه خط اوستایی
به شیوه مهرآبان
کیخسرو، نسخه K20
(۱۳، ۱۴پ)

ت ۴. الفبای اوستایی
براساس یازنویسی بهرام
برومند از شیوه مهرآبان
کیخسرو مأخذ تصویر:
برگرفته از نسخه k20
و k50

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀



۴. شیوه هیرید جاماسب (حدود ۱۸۴۲م)

شیوه‌های خط اوستایی

۱. شیوه هیرید مهرآبان کیخسرو

از زیباترین و فنی‌ترین شیوه‌های کتابت اوستا شیوه استاد مهرآبان کیخسروست. این خط زیبا را در نسخه‌های K50 یسنا با ترجمه و گزارش پهلوی آن می‌بینیم. بخش نخست و بخش دوم و سوم که جزو قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی اوستا و زند است در سال ۱۳۲۵، یا به قول گلدنر^(۲) در سال ۱۳۲۳، نوشته شده و هم اکنون در کپنهاگ نگهداری می‌شود. نسخه‌های K20 و K20B (ارداویراف نامه که بندهش نیز جزو آن است) نیز به شیوه مزبور است.

نسخه‌های K1 و L4 را نیز در همین مجموعه می‌توان طبقه‌بندی کرد. زیبایی و شیوایی کلمات، اندازه متناسب آنها، کرسی‌بندی صحیح، دوایر کوچک و زیبا، و از همه مهم‌تر وجود کشیده در سطرها از امتیازات و ویژگی‌های این شیوه است.

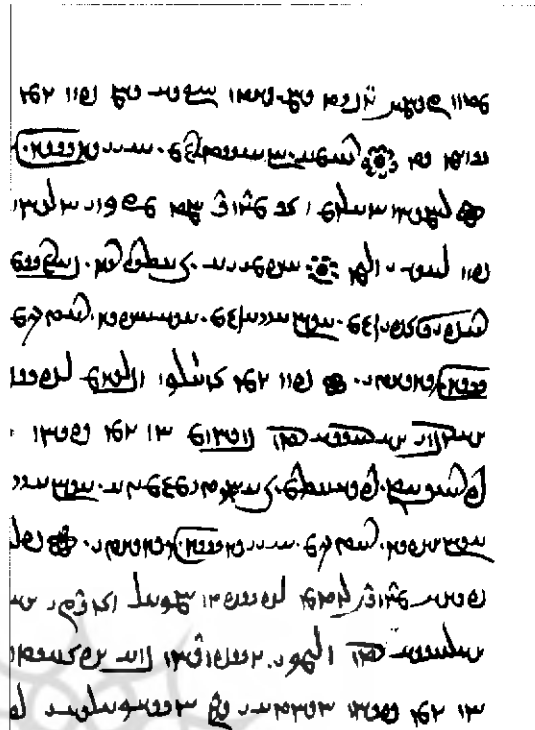
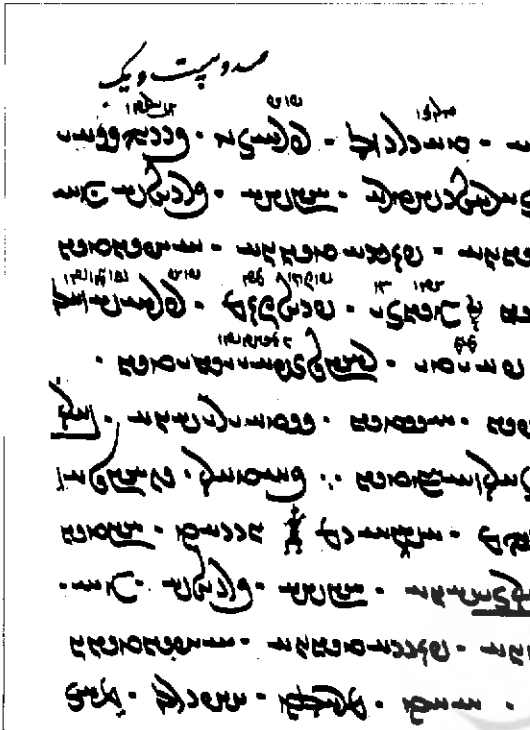
K50 از جمله نسخه‌هایی است که کاتب با چیره‌دستی تمام با سبک و شیوه‌ای مستقل و منحصر به فرد آن را کتابت کرده و در جای‌جای آن شاهد رعایت

مستقیم و غیرمستقیم مکاتب خوشنویسی ایرانی و اسلامی در خط آنها به‌وضوح دیده می‌شود. در هند نیز می‌توان تأثیر خطوط سانسکریت و گجراتی را بر خط اوستایی و پهلوی دید.

با مطالعه دست‌نویسهایی که مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز منتشر کرده است (سال ۱۹۷۶) با خطوطی در دست‌نویسها روبه‌رو می‌شویم که آنها را به ترتیب زمانی با چند شیوه مختلف اوستانویسی نوشته‌اند که تفاوت‌هایی آشکار یا یکدیگر دارند. اگر بتوانیم آنها را جزو شیوه‌های اصلی اوستانویسی قلمداد کنیم، در مقابل، دیگر دست‌نویسها با خط‌هایی نوشته شده است که یا تقلید صرف از گروه ذکر شده بوده یا ترکیبی از دو نوع از این شیوه‌ها به اضافه سلیقه شخصی کاتب.

شیوه‌های مهم تحریر خط اوستایی را بر اساس نام یکی از کتاب مهم آن دوران نام‌گذاری کرده‌ام. این شیوه‌ها را به ترتیب زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. شیوه کتابت هیرید مهرآبان کیخسرو مهرآبان مرزبان (۱۳۲۳م)
۲. شیوه کتابت هوشنگ سیاوخش شهریار بخت‌آفرید شهریار (۱۴۹۵م)
۳. شیوه کتابت فریدون مرزبان (۱۶۲۶م)



ت ۵ (راست): نمونه خط اوستایی به شیوه هوشنگ سیاوخش، مأخذ تصویر: نسخه د ۹۰ (گ ۴۹، ۵۰ پ)
 ت ۶ (چپ) و صفحه بعد (راست): نمونه خط اوستایی به شیوه فریدون مرزبان، مأخذ تصویر راست: وندیداد دانشگاه تهران (گ ۱۲۱، ۱۲۲ پ)، مأخذ تصویر راست صفحه مقابل: نسخه k25 (گ ۱۶۵، ۱۶۶ پ)

کاتب تا جایی که می‌توانسته از تیزنویسی و خشک‌نویسی حروف خودداری کرده است. در این شیوه، متصل‌نویسی هم معمول بوده است و گاهی دنباله حروف کشیده در صفحه با هم تلاقی می‌کنند. دندان‌ها تیزی کمی دارند و حروف دایره‌وار جمع‌وجور و با حداقل دور نوشته شده و نزولهای قلم ارتفاع کمتری نسبت به شیوه‌های دیگر دارد. اصول و قواعد خوشنویسی برای تمامی اجزای این خط سنجیده هماهنگ است و حروف در حداقل فضای مورد نیاز برای گردش قلم نوشته شده‌اند. شکل خاص حروف سبب می‌شده است که کاتب بتواند با سرعت بیشتری بنویسد. وجود کشیده در لابه‌لای سطرها کمک زیادی به رفع خستگی چشم می‌کند و بعد از حروف خرد و ریز و مترکم، کشیده فضایی آزاد و یکتواخت و متعادل به سطر می‌دهد. (ت ۲ و ۳).

۲. شیوه تحریر هوشنگ سیاوخش (۱۴۹۵م)
 کتاب مختلفی در چند نسخه شیوه اوستایی دیگری با اصول و قواعدی خاص عرضه کرده‌اند که از استحکام و صلابت کافی برخوردار است. به خلاف شیوه مهربان کیخسرو که خطی لطیف و نرم و پررود بود، این شیوه خطی خشک با غلبه سطح و با دندان‌های ضخیم است.

آگاهانه اصول و قواعد خوشنویسی ایم. دست‌نویس K1 در روز دین از ماه تیر سال ۶۹۳ یزدگردی (۱۷ ماه مه ۱۳۲۴م) در شهر کمی هندوستان به پایان رسیده است و چون مهرآبان پایان‌نویس نسخه اصلی را ذکر کرده، می‌توانیم شجره‌نامه این متن را به دست‌نویس هوماست سیستان برسانیم که آن را اردشیر و هومن روزبه شهزادین شهرمد کتابت کرده و تاریخ کتابت آن روز سروش از ماه تیر سال ۵۵۴ یزدگردی (۱۱۸۵م) بوده است. این نسخه را «ماهیار» نامی به هندوستان برده و رستم مهرآبان مرزبان پس از سال ۱۲۹۶م از روی آن بازنویسی کرده است. این نسخه رستم منشاء K1L4 مهربان کیخسرو بوده است که راسک^(۳) آن را شناسایی کرد.

(3) Rask

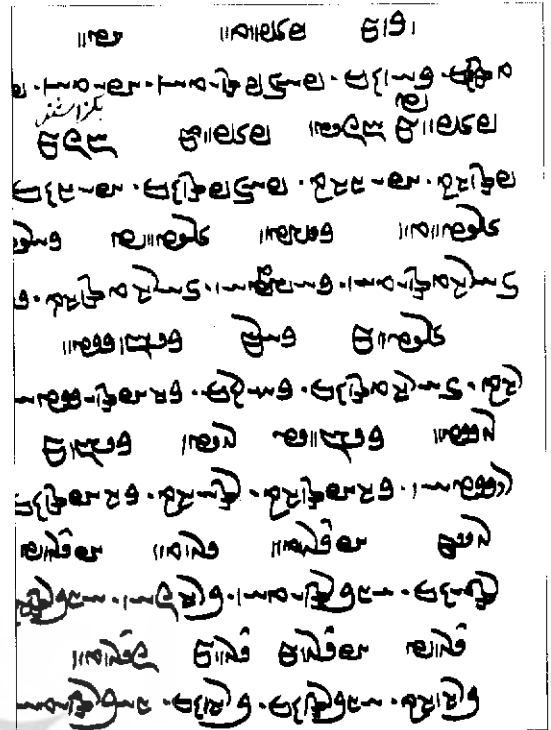
تعداد سطرها در دست‌نویسهای مختلف این شیوه با هم فرق دارد و در آنها از صفحات ۱۱ اسطری تا ۲۰ اسطری دیده می‌شود. فاصله بین خط کرسی در این شیوه معمولاً بین ۹-۱۱ نقطه همان قلمی است که متن با آن نوشته شده است. فاصله مناسب بین سطرها منجر به ایجاد تعادل بین سیاهیها و سفیدیها در صفحه می‌شود و آن را چشم‌نواز می‌کند. نرمش و لطافت حروف، انحنا و دوایر و گردش بیضی‌وار قلم و نواخت کلی حروف در صفحه این شیوه را به شیوه‌ای ملایم و لطیف بدل کرده است.

و حرکت با تمام پهنای قلم در اکثر حروف دیده می‌شود. با این حال در بخشهایی نیز نیم‌قلم‌نویسی وجود دارد (ت ۵).

۳. شیوه تحریر فریدون مرزبان (۱۶۲۶م)
تا قبل از پیدا شدن نسخه منحصراً به فرد وندیداد اوستایی به خط فریدون مرزبان که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، جز نسخه‌های TD2 (که متن بندهش به خط پهلوی همین استاد است) و نسخه DH (که نمونه جالبی از همین شیوه و تحریر پدر او، یعنی مرزبان فریدون، ۱۵۷۷م، است و نسخه TD1 کتاب بندهش تحریر عمومی فریدون، یعنی گویدشا) و دست‌نویس چاپ‌شده شماره ۴۹ انتشارات مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز (متن K25) که به این شیوه نوشته شده بود، به نمونه بارز دیگری برخورد نکردم.

در این شیوه فاصله سطرها حدود ۹ تا ۱۰ نقطه است. چیدمان حروف در صفحه متعادل می‌نماید و عمده حروف نسبت به خط کرسی زاویه‌ای دارند که از سمت راست به چپ میل صعودی دارد. این نواخت در تمام کلمات مستتر است و کاتب به‌کرات از نصف پهنای قلم استفاده کرده است. برعکس شیوه مهربان کیخسرو، در این شیوه کلمات در فضایی مربع‌شکل طراحی شده و حروف خشکی بیشتر و دور و گردش کمتری دارد. دندان‌های حروف کوتاه ولی مشخص است. کله گرد حروفی مثل S و Z برعکس شیوه مهربان کیخسرو، توخالی است. فواصل بین کلمات اوستایی با نقطه از هم جدا شده است. با اینکه متصل‌نویسی از اجزای زیبایی‌دهنده در پهلوی‌نویسیهای این شیوه است، در دین‌دبیره‌نویسیهای موجود، کاتبان این شیوه نهایت سعی خود را کرده‌اند تا از متصل‌نویسی حروف پرهیز کنند (ت ۶).

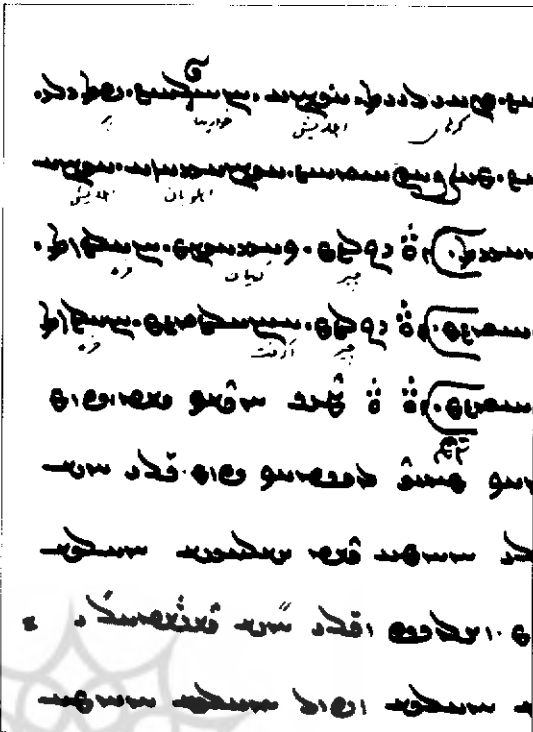
۴. شیوه تحریر هیرید جاماسپ آسا
شیوه‌های دیگری نیز به دست کاتبان هندی پدید آمده که تفاوت‌های محسوسی با شیوه‌های ایرانی دارد. دست‌نویس mu35 را که یانو مهربان-ن-دردی به یاد برادرش دکتر اونولا به کتابخانه نخست دستور مهرجی رانا در نوساری هدیه کرد و به خط هیرید جاماسپ آسا در حدود ۱۸۴۰م به بعد نگاشته شده، یا دست‌نویس F11 که شامل وندیداد



طبق نظر بانو دکتر مزدپور و استناد به روایات داراب هرمزدیار که از هوشنگ سیاوخش خطی باقی مانده است، و براساس اطلاعاتی که دکتر ماهیار نوایی در مقدمه‌ای که بر دست‌نویس د ۹۰ نوشته، به افتخار او این شیوه را هوشنگ سیاوخش نام‌گذاری کردیم.

کاتب این دست‌نویس هوشنگ سیاوخش شهریار بخت‌آفرید شهریار است که وی آن را از روی نسخه مهروان اسپندیار مهروان و، این مهروان از روی دست‌نویس ماهپناه آزادمرد و ماهپناه به نوبه خود از روی نسخه و نسخ سروش‌یار نوشته. ماه امرداد ۸۶۴ یزدگردی (۱۴۹۵م) بوده است.^{۱۲}

از مشخصات بارز این شیوه سادگی و خشکی کلمات است. اینجا از گردشهای ملایم و نرم قلم که در شیوه مهربان کیخسرو وجود داشت خبری نیست. حروف دندان‌دار، و دندان‌ها مشخص و بزرگ است. بیشتر کلمات در قالبی مستطیل‌شکل طراحی و اجرا شده‌اند. کلمات در انتهای سطر میل به بالا دارند و گاهی آنها را سوارنویسی کرده‌اند. دست‌نویس خرده اوستا ج ۱ به شماره ۶ مجموعه بیبی و نسخه خرده اوستا و مینوی خرد TD23 نیز از نمونه‌های بارز این شیوه‌اند. حروف در این شیوه به رشیدترین و بزرگ‌ترین اندازه ممکن قلم نوشته شده‌اند



۷. نمونه خط اوستایی به شیوه هیرید جاماسب از نسخه amu35 مأخذ تصویر: (گ ۳۹، ۴۰ پ)

مخصوص بعضی از حروف بود، در اینجا اتصال بیش از حد حروف متأثر از خط پهلوی یا خط دیگری بوده و نواخت سطرها و فضای بین حروف و ترکیب بندی سفیدها و سیاهها شکل تازه‌ای از دین دبیره را به نمایش گذاشته‌اند (ت ۷).

کاتبان متأخر پارسی هند نیز تا حدودی با خطوط فارسی نستعلیق و نسخ و شکسته آشنایی داشته و در لابه‌لای صفحات دست‌نویسها از این خطوط نیز استفاده کرده‌اند. با این حال به نظر راقم این سطور، دست‌نویسهای هندی از نظر تحولات خوشنویسی نسبت به نمونه‌هایی که در ایران نوشته شده در سطح پایین‌تری قرار دارند. متأسفانه خط پهلوی و اوستایی در هند هرچه به زمان حال نزدیک می‌شود مسیر نزولی تندتری می‌پیماید. □

کتاب‌نامه

ابوالقاسمی، محسن. راهنمای زبانهای باستانی ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
 برجیان، حبیب. کتابت زبانهای ایرانی، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
 برومند، بهرام. بررسی دست‌نویسهای پهلوی و اوستایی از دیدگاه کتابت و خوشنویسی، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۲، چاپ نشده.
 تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران در دوران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار، تهران، ۱۳۷۶.
 فضائلی، حبیب‌الله. اطلس خط، اصفهان، ۱۳۵۰.
 ———. تعلیم خط، اصفهان، ۱۳۴۹.
 فلسفی، امیر احمد. ترکیب در نستعلیق، تهران، ۱۳۷۴.
 ———. کتاب کشیده، تهران، ۱۳۸۰.
 قلیچ‌خانی، حمیدرضا. فرهنگ و واژگان اصطلاحات خوشنویسی، تهران، روزنه، ۱۳۷۳.
 عریان، سعید. متون پهلوی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
 نوایی، ماهیار و کیخسرو جاماسب‌آسا (و). گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی با همکاری فنی بهرام فره‌وشی و محمود طاروسی، مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۹۷۶، ۷۵ ج.
 دست‌نویس ك ۴۳، بخشهایی از دینکرت و دو قطعه كوچك از يك متن پهلوی و اوستایی، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی
 دست‌نویس ك ۲۰، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی
 دست‌نویس ك ۳۵۰، نامکهای منوچهر زاد اسپرم، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی
 دست‌نویس ك ۳۵، روایات پهلوی، دادستان دینیکه، روایات پهلوی ۲، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

و خلاصه سینا و ویسپرد و مربوط به سال ۱۷۸۹م است. یا دست‌نویس D3 که شامل متن اوستایی و پهلوی آفرین‌زردشت است و در سال ۱۷۵۷ م در بندر سورت به قلم رستم بهرام داراب کتابت شده است، از این نمونه‌هاست.

وام‌گیری بعضی از عناصر از شیوه‌های قبلی در این دست‌نویسها مشهود است. گاهی در بعضی موارد، معجونی از چند شیوه دیده می‌شود که البته دخل و تصرف و ابتکارات و سلیقه خود کاتب نیز در آنها دخیل بوده؛ به طوری که نتیجه کار با بقیه شیوه‌های اوستانویسی تفاوت پیدا کرده و شکل بعضی حروف نیز مخصوص این شیوه شده است و در بقیه دیده نمی‌شود؛ به‌خصوص در شکل حروف o, b, r. از آنجا که گاهی در کنار این دست‌نویسها کاتبان خط گجراتی نیز می‌نوشته‌اند، ضخامت و خشکی این خط تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر روی خطوط پهلوی و اوستایی مورد بحث نهاده و در بعضی موارد، با ایجاد ضخامت و ستبری بیش از حدی در این شیوه‌ها تغییری در زاویه نوشتن حروف به‌وجود آورده است.

ویژگی دیگر این شیوه اوستانویسی استفاده مکرر از متصل‌نویسی حروف است. به خلاف شیوه‌های قبلی که حروف دین دبیره را از هم جدا می‌نوشتند و متصل‌نویسی

دست‌نویس ك ۳، بندهش بزرگ - مینوی خرد - دینکرت - همن‌یشت، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس م ۱ و ۳۵، متن اوستا و پهلوی سی‌روزه کوچک، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس ت د ۲، بندهش ایرانی، روایات امیر اشاوهشیان و جز آن، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس د ۹۰۵، یستا، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس ك ۵۰، یسنا با ترجمه و گزارش پهلوی آن، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس چاپ‌نشده و نذیداد اوستایی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

دست‌نویس ت د ۱، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

کتاب منتهای پهلوی، گردآوری دستور جاماسپ جی منوچهر جاماسپ‌آسا، ج ۱ و ۲، بنیاد فرهنگ ایران، در: گنجینه دست‌نویسهای پهلوی و پژوهشهای ایرانی

ویدن گرن، جی. مانی و تعالیم او، ترجمه زهت اصفهانی، تهران، پرچم، ۱۳۵۲.

هفمان، کارل. «پیرامون فهرست نشانه‌های خط اوستایی»، ترجمه همام خان خلیلی، در: فرهنگ، کتاب ششم (بهار ۱۳۶۹).

Geldner, K. F., *The Sacred Books of the Parsis*, Stuttgart, 1889.

Kellens, J. "Avestique", in: *Compendium Linguarum Iranicarum*. (1989).

Madan. *The Complete Text of the Pahlavi Dēnkard*, 2 parts, Bombay, 1911.

Shaki, M. "The Dēnkard Account of History of Zoroastrian Scriptures", in: *Archiv Orientalni*, vol. 49, 1981.

پی‌نوشتها

۱. سعید عربان، متون پهلوی، ص ۶۴، ۶۹، ۲۲۰، ۲۲۸.
2. Madan, *The Complete Text of The Pahlavi Dēnkard*, p. 405.
3. *ibid.*, p. 411.
۴. احمد تفضلی، تاریخ ادبیات در دوران پیش از اسلام، ص ۴۵.
۵. نقش‌شده در: حبیب برجیان، کتابت زبانهای ایرانی.
6. M. Shaki, "The Dēnkard Account of History of Zoroastrian Scriptures", p.115.
7. Kellens, "Avestique", pp. 35-44.
۸. جی. ویدن گرن، مانی و تعالیم او، ص ۴۸.
۹. ویدن گرن، همان، ص ۱۳۶.
۱۰. کارل هفمان، «پیرامون فهرست نشانه‌های خط اوستایی».
11. Kellens, *op.cit.*, p.44.
۱۲. بهرام برومند، بررسی دست‌نوشته‌های پهلوی و اوستایی از دیدگاه کتابت و خوشنویسی، ص ۱۲۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
جامع علوم انسانی